

اندازه‌گیری و مقایسه درجه رشد حامی فقرا در کشورهای اسلامی

داود بهبودی* ، محسن اعلائی حیدرانلو** و حسین پناهی*

تاریخ وصول: ۱۳۹۷/۱۱/۹ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۶/۱۱

چکیده

فقر یکی از اصلی‌ترین عوامل در طول تاریخ می‌باشد که جامعه بشری با آن روبرو بوده است، رشد بالای اقتصادی در دهه گذشته ایده‌ای مبنی بر اینکه رشد می‌تواند به کاهش فقر در جهان منجر شود رایج شد و قبل از غالب شدن رشد حامی فقرا بر تفکرات توسعه‌ای بود و در دهه ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ اغلب تفکرات توسعه‌ای در ارتباط با رشد و فقر، تفکرات رشد سرریز نیز بود و بعد از آن اغلب فکر می‌کردند که رشد منجر به افزایش فقر می‌شود که این تفکر توسط بهاگوانی در سال ۱۹۸۸ در شرایط انقلاب سبز پدید آمده بود اما در دو دهه ادبیات توسعه‌ای در پیرامون رشد حامی فقرا گسترش پیدا کرده است. نابرابری هم به اندازه رشد از اهمیت برخوردار است زیرا افزایش نابرابری منجر به افزایش فاصله طبقاتی در جامعه می‌شود و می‌تواند باعث عدم بهبودی وضعیت فقرا در جامعه شود و از آنجا که فرضیه کوزنتس بیان می‌دارد که رشد در مراحل اولیه منجر به افزایش نابرابری می‌شود تا زمانی که کشورها به یک درآمد متوسط دست یابند، بنابراین رشد زمانی حامی فقرا خواهد بود که در کنار کاهش فقر به کاهش نابرابری هم کمک کرده باشد. در این مقاله ارتباط بین سه مفهوم توسعه یعنی فقر، نابرابری و رشد را با استفاده از شاخص‌های رشد حامی فقرا (شاخص کاکوانی و پرنیا (۲۰۰۰) و کاکوانی و سان (۲۰۰۳)) در ۹ کشور اسلامی مورد بررسی قرار گرفته که از آخرین داده‌های در دسترس پایگاه اطلاع رسانی PovalNet و پکیج توزیعی تحلیلی استاتا استفاده شده است. هدف اصلی این پژوهش بررسی ماهیت رشد بدون در نظر گرفتن عوامل تعیین کننده رشد است. نتایج بدست آمده برای کشور قزاقستان (۲۰۰۱-۶)، ۱۰-۲۰۰۶ و ۲۰۱۵-۱۰ نشان می‌دهد که رشد منجر به کاهش فقر و همچنین به طور واقعی نابرابری را بین فقرا و اغنیا کاهش داده است، که نشان دهنده رشد قویاً حامی فقرا در این کشور می‌باشد. همچنین تاجیکستان (۱۹۹۹-۲۰۰۴) بیشترین کاهش فقر را تجربه کرده است. نتایج نشان می‌دهد ماهیت رشد در کشورهای تاجیکستان (۲۰۰۹-۲۰۱۵) و ترکیه (۲۰۰۲-۲۰۰۶) که رشد مثبت تجربه کرده‌اند با اندازه‌گیری شاخص‌های مختلف فقر، فقرزا بوده و در کشور ایران در دوره ۲۰۰۶-۲۰۱۴ با استفاده از شاخص رشد حامی فقرا (PPGI) و نرخ معادل رشد فقر (PEGR) به ترتیب فقرزا و

* استاد اقتصاد، دانشکده اقتصاد و مدیریت، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران.

** کارشناسی ارشد توسعه اقتصادی و برنامه ریزی، دانشکده اقتصاد و مدیریت، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران.
(نویسنده مسئول)

(m.alaei.hydranlv@gmail.com)

*** استاد اقتصاد، دانشکده اقتصاد و مدیریت، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران.

حامی فقرا بوده است. به طور کلی نتایج تحقیق نشان داد که نمی‌توان رشد را در کشورهای اسلامی به طور نسبی حامی فقرا دانست. اگر رشد حامی فقرا با شاخص‌های مختلف فقر اندازه‌گیری شود نشان می‌دهد، افراد نزدیک خط فقر نسبت به افرادی که دورتر از خط فقر (فقیرترین فقرا) زندگی می‌کنند از منافع بیشتر رشد، بهره‌مند خواهند شد.
طبقه‌بندی *JEL*: O53، I32، D63

واژه‌های کلیدی: فقر، رشد حامی فقرا، نابرابری، *DASP*

۱- مقدمه

فقر یکی از پدیده‌های چند بعدی است که مورد توجه و بررسی سیاستمداران، جامعه‌شناسان، اقتصاددانان قرار گرفته است. در دهه‌های گذشته جهانی سازی، کاهش میانگین تورم جهانی و افزایش رشد باعث کاهش روزافزون فقر شده است. رشد مهم‌ترین عامل کاهش فقر مطلق است (Ravallion, 2004)، بنابراین رشد برای کشورهای در حال توسعه با درآمد متوسط پایین و متوسط از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، تا فقر مطلق کاهش یابد. بنابراین رشد، فرصت‌هایی برای به دست آوردن اشتغال، افزایش رفاه و ثروت فراهم خواهد کرد تا منجر به کاهش فقر شود. فاستر و زکلی^۱ (۲۰۰۰) دیدگاه متفاوتی نسبت به راولیون دارند و معتقدند رشد بر توزیع درآمد تأثیر سیستماتیک ندارد، بنابراین سیاست‌های رشدگرا بر فقر تأثیری نخواهد داشت (Quote from Page, 2006). به‌طور کلی رشد حامی فقرا را می‌توان به عنوان اثر رشد (تغییرات در سطح میانگین درآمد) بر فقرا در یک جامعه تعریف نمود. رویکرد نسبی رشد حامی فقرا که در این مطالعه بررسی شده است بر اثر توزیع منافع رشد بین جمعیت فقیر و غیرفقیر تمرکز کرده است (Kakwani & Pernia, 2000). رشد براساس مطالعات مختلف تأثیرات متفاوتی بر فقر خواهد داشت. برای بررسی ماهیت رشد بر فقر اقتصاددانانی نظیر مک کالج و بالچ^۲ (۲۰۰۰)، کاکوانی و پرنیا (۲۰۰۰)، کاکوانی و سان^۳ (۲۰۰۳)، راولیون و چن^۴ (۲۰۰۳) و سان (۲۰۰۴) شاخص‌هایی معرفی کرده‌اند (Deutsch & Silber, 2011). در تحقیق حاضر از شاخص‌های کاکوانی و پرنیا (۲۰۰۰) و کاکوانی و سان (۲۰۰۳) استفاده شده است تا ماهیت رشد بر فقر مورد بررسی قرار گیرد.

در تحقیق حاضر از تعریف خط فقر مطلق بین‌المللی^۵ تعیین شده توسط بانک جهانی یعنی ۱/۹۰ دلار برای یک فرد در یک روز استفاده شده است (براساس تعریف خط فقر بانک جهانی در PovcalNet هر فرد در یک ماه کمتر از ۵۷/۷۹ دلار درآمد داشته باشد، فقیر محسوب می‌شود)، به علت عدم دسترسی به اطلاعات کافی، ۹ کشور ایران، بنگلادش، پاکستان، تاجیکستان، ترکیه، قرقیزستان، قزاقستان، مصر و نیجر به عنوان کشورهای منتخب اسلامی و از آخرین داده‌های در دسترس پایگاه اطلاع رسانی PovcalNet برای این کشورها در این مطالعه مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

هدف اصلی در این پژوهش سنجش و بررسی ماهیت رشد بدون در نظر گرفتن عوامل تعیین کننده رشد در کشورهای منتخب اسلامی است. از آنجا که یکی از اهداف

¹ Foster and Szekely

² McCulloch and Baulch

³ Son

⁴ Chen

⁵ International Absolute Poverty Line

دخالت دولت‌ها در اقتصاد افزایش رفاه و بهبود معیشت افراد فقیر جامعه است و یکی از ابزارهای در اختیار سیاست‌گذاران اقتصادی برای حمایت از فقرا در جوامع مختلف رشد است؛ رشد در کشورهای مختلف اثرات گوناگونی دارد که منجر به افزایش و یا کاهش فقر در کشورهای مختلف می‌شود؛ سعی شده تا با استفاده از دو شاخص (شاخص رشد حامی فقرا (PPGI)^۶ و نرخ رشد معادل فقر (PEGR)^۷) به دو سوال زیر پاسخ داده شود: ۱- آیا می‌توان با استفاده از شاخصهای رشد حامی فقرا، رشد را در کشورهای منتخب اسلامی به‌طور نسبی حامی فقرا دانست یا خیر؟ ۲- ماهیت رشد بدون در نظر گرفتن عوامل تعیین کننده آن، در کشورهای مورد بررسی چگونه بوده است؟

در ادامه ابتدا به‌طور خلاصه ادبیات موضوع و مطالعات تجربی صورت گرفته در جهان مورد بررسی قرار می‌گیرد. سپس روش و تجزیه و تحلیل نتایج مورد بررسی قرار گرفته و در پایان جمع‌بندی مباحث ارائه می‌گردد.

۲- ادبیات موضوع

در این بخش رابطه بین رشد، نابرابری و فقر، رشد و نابرابری، فقر و نابرابری و رشد و فقر و در نهایت ادبیات مربوط به اندازه‌گیری رشد حامی فقرا مورد بررسی قرار گرفته شده است.

۲-۱- رشد، فقر و نابرابری

در گذشته بعضی از محققان ادعا می‌کردند که رشد اقتصادی به جای کاهش فقر در کشورهای در حال توسعه منجر به افزایش فقر می‌شود. توسعه به‌طور مطلق با کاهش نسبی درآمد متوسط فقیران همراه خواهد بود و پیامد ترسناک آن خواهد بود که صدها میلیون نفر از جمعیت فقرا به جای کمک به توسعه اقتصادی، آسیب بیشتری دیده‌اند (Adelman & Morris Quoted from Adams, 2004). این استدلال‌ها ارتباط بین رشد و فقر به شدت تحت تأثیر فرضیه کوزنتس قرار گرفته است. فرضیه کوزنتس ادعا می‌کند که ارتباط بین رشد و نابرابری به صورت یک منحنی U شکل معکوس می‌باشد: در مراحل اولیه از توسعه اقتصادی، توزیع درآمد میل به بدتر شدن دارد و تا زمانی که کشورها به درآمد متوسط دست نیابند وضعیت بهبود پیدا نمی‌کند. اما امروزه بیشتر محققان اعتقاد دارند که رشد اقتصادی تأثیر زیادی بر نابرابری نخواهد داشت زیرا

^۶ Pro-poor growth index

^۷ Poverty equivalent growth rate

معمولاً توزیع درآمد در طول زمان تغییر نخواهد کرد. از آنجایی که نابرابری درآمد در طول زمان میل به ثابت ماندن دارد، می‌توان انتظار داشت که رشد اقتصادی حداقل تا حدودی منجر به کاهش فقر می‌شود. در واقع رشد برای کاهش فقر حداقل به دو عامل بستگی دارد: اولین عامل نرخ رشد اقتصادی است و دومین عامل مؤثر بر رشد اقتصادی که باعث کاهش فقر می‌شود میزان نابرابری است. بنابراین در یک رابطه ساده می‌توان انتظار داشت که رشد اقتصادی زمانی فقر را کاهش می‌دهد که نابرابری هم کاهش یابد (Adams, 2004: 1990-1991).

۲-۲- رشد و نابرابری

در رابطه بین رشد و نابرابری محققانی مانند کراویس^۸ (۱۹۶۰)، اشیما^۹ (۱۹۶۲)، پاکرت^{۱۰} (۱۹۷۳)، کلاین^{۱۱} (۱۹۷۵)، اهلوالیا^{۱۲} (۱۹۷۶)، شرمن و رابینسون^{۱۳} (۱۹۷۶) لیدال^{۱۴} (۱۹۷۷)، کرامول^{۱۵} (۱۹۷۷) گست^{۱۶} (۱۹۷۹)، رام^{۱۷} (۱۹۸۸)، بارگوییگن و موریس^{۱۸} (۱۹۹۰)، آناند و کانبر^{۱۹} (۱۹۹۳)، فیشلو^{۲۰} (۱۹۹۵) و جها^{۲۱} نظریه کوزنتس را تأیید یا رد نکرده‌اند. هم‌چنین در نوآوری‌های علمی اخیر در ادبیات رشد و توزیع درآمد ارتباطی نزدیک بین نظریه‌های جدید رشد درون‌زا و توزیع درآمد برقرار نموده است. از این نظر توزیع درآمد می‌تواند با تغییر اندازه تقاضای داخلی و ترکیب آن بر رشد اثر کند. طبق تحقیقات جرج کلارک^{۲۲} در سال ۱۹۹۵، نابرابری، رابطه قوی و معکوس با رشد دارد. هم‌چنین سال، راس و سابوت^{۲۳} در سال ۱۹۹۵ رابطه نابرابری - رشد را با تأکید بر تجربه شرق آسیا به این نتیجه دست یافتند که ارتباط نابرابری با رشد، معکوس است و بر این

⁸ Kravis

⁹ Oshima

¹⁰ Paukert

¹¹ Klein

¹² Ahluvalia

¹³ Sherman Robinson

¹⁴ Lydall

¹⁵ Cromwell

¹⁶ Guest

¹⁷ Ram

¹⁸ Bargoignen and Morrison

¹⁹ Anand and Kanbur

²⁰ Fishlow

²¹ Jeha

²² George Clark

²³ Sall, Ross & Sabot

مورد تأکید کردند که تجربه آسیای شرقی، رابطه بین نابرابری بالا و رشد سریع را رد کردند (Quote from Apounoorie & Azhdari, 1999: 54-57). در طول سال‌های گذشته بسیاری از اقتصاددانان تلاش کرده‌اند رابطه بین نابرابری و رشد را با افزودن نابرابری به‌عنوان یک متغیر مستقل در برخی از رگرسیون رشد رابرت جی بارو در بین کشورهای مختلف مورد سنجش قرار دهند. در این مطالعه به‌طورکلی یک رابطه منفی و ضریب قابل توجهی بر نابرابری یافتند و بیشتر اقتصاددانان نتیجه گرفتند که نابرابری تأثیر منفی بر رشد دارد. این نتیجه مورد پذیرش بسیاری از اقتصاددانان است. اگرچه در مقالات زیادی بر تأثیر منفی نابرابری بر رشد تأکید شده است اما با مطالعه دقیق‌تر در ادبیات نشان می‌دهد که این رابطه منفی بسیار کم اهمیت‌تر از حد معمول است. در بسیاری از مدل‌ها رابطه منفی به عوامل برون‌زا مانند ثروت کل، نهادهای سیاسی یا سطحی از توسعه بستگی دارد. بسیاری از مقالات چندین تعادل را پیش‌بینی می‌کنند که در شرایط اولیه، نابرابری می‌تواند رابطه مثبت با رشد اقتصادی داشته باشد که برای مثال می‌توان به مطالعه پاول و وردیر^{۲۴} (۱۹۹۳)، بنابو^{۲۵} (۱۹۹۶) و گالور و سیددون^{۲۶} (۱۹۹۷)، دنینجر و اسکوایر^{۲۷} اشاره کرد که معتقد بر رابطه مثبت بین نابرابری و رشد بودند (Forbes, 2000: 869-870).

۳-۲- فقر و نابرابری

موضوع درآمد به دو دلیل مسئله ثانوی محسوب می‌شود. نخست آن‌که متأخر و فرع بر رشد است یعنی بعد از مسئله رشد اقتصادی و افزایش سرمایه و ثروت مطرح می‌شود. البته نظریاتی وجود دارند که به توزیع پیش از تولید پرداخته‌اند، اما رویکرد غالب این نبوده است. دوم، خود این پدیده معلول علت‌های پیشین است. براساس رویکرد بازار، نظام کارای بازار تخصیص بهینه را به دنبال دارد و تخصیص بهینه تخصیص عادلانه را در پی دارد. بنابراین نابرابری نوعی انحراف است که یا به دلیل دخالت دولت ایجاد می‌شود و یا حاصل موارد شکست بازار است. آدلمن و موریس (۱۹۷۳) در تحقیقی نشان داده‌اند که در دو نوع کشور نابرابری درآمدی کمتر است یا اصلاً وجود ندارد. اول کشورهای بسیار فقیر با کشاورزی به مقیاس کوچک یا اشتراکی

²⁴ Paul & Verdier

²⁵ Benabou

²⁶ Galor & Tsiddon

²⁷ Deininger & Squie

مسلط و دوم کشورهایی که توسعه آن‌ها به دلیل تلاش عمده در بهبود منابع انسانی صورت گرفته است (Zaribaff, 2012: 14-15).

۴-۲- رشد و فقر

با توجه به نظریات مربوط به رشد و فقر در حدود نیم قرن گذشته سه مفهوم بوجود آمده است که عبارتند از: رشد سرریز، رشد فقرزدا و رشد حامی‌فقرا و در ادامه به تعاریف هر سه مفهوم پرداخته می‌شود:

اغلب تفکرات توسعه‌ای که در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۵۰ در ارتباط با رشد و فقر حاکم بود، رشد سرریز می‌باشد. در طول این دو دهه تأکید پژوهشگران بر جریان عمودی از بالا به پایین رشد اقتصادی بود که منجر به نشر منافع رشد از اغنیاء به فقرا می‌شود. به این ترتیب که منافع رشد اقتصادی نصیب اغنیاء می‌شود، سپس اغنیاء با خرج آن منافع، فقرا را به طور غیرمستقیم از منافع رشد بهره‌مند می‌کنند. در این حالت منافع اغنیاء همیشه بیشتر از فقرا خواهد بود. در این حالت وقوع فقر می‌تواند با رشد اقتصادی کاهش یابد، حتی اگر فقرا بخش کمی از منافع کل ناشی از رشد اقتصادی را نصیب خود کنند (Kakwani & Pernia, 2000). از طرفداران این دیدگاه می‌توان به مکتب کلاسیک اشاره کرد. در الگوی کلاسیک، توسعه در قالب رشد اقتصادی تعریف شده و در این الگو فقر یک پدیده موقت تلقی می‌شود که با نشت فواید رشد به پایین از بین خواهد رفت (Ghsemian, 2008: 335-337).

بعد از رشد سرریز، در اواخر قرن ۲۰، بهاگواتی^{۲۸} (۱۹۸۸) الگوی رشد فقرزا را در شرایط انقلاب سبز ارائه نمود. در این الگو اثر نابرابری آن قدر افزایش می‌یابد که اثر کاهش فقر را خنثی می‌نماید، در نتیجه به افزایش فقر منجر خواهد شد. بهاگواتی یک سناریو، برای الگوی خود ارائه نمود: کشاورزان ثروتمند برای افزایش تولیدات محصولات خود از بذره‌های جدید استفاده می‌کردند، در نتیجه آن قیمت محصولات کاهش یافته و منجر به زیان کشاورزان فقیر می‌شد. زیرا کشاورزان فقیر به تکنولوژی جدید دسترسی نداشتند تا تولید محصولات خود را افزایش داده و از منافع انقلاب سبز بهره‌مند گردند، بنابراین انقلاب سبز منجر به کاهش درآمد کشاورزان فقیر شد و همین امر فقر را افزایش داد. البته این وضعیت ممکن بود در کوتاه مدت اتفاق بیفتد زیرا در بلندمدت کشاورزان فقیر امکان داشت به راهکارهای جدیدی برای کاهش هزینه‌های تولید دسترسی پیدا کنند (Kakwani & Pernia, 2000).

²⁸ Bhagwati

الگوی دیگری که در سال‌های گذشته معرفی شد، «رشد حامی فقرا» است. ریشه رشد حامی فقرا همان‌گونه که در مطالعه سان (۲۰۰۳) آمده است، به استدلال‌های چنری و آهلووالیا در دهه ۱۹۷۰ در خصوص بازتوزیع مجددگرا برمی‌گردد. طبق مدل چنری و آهلووالیا، «توزیع مجدد درآمد همراه با رشد»، می‌تواند نقطه آغازین رشد حامی فقرا محسوب گردد. رشد حامی فقرا به شکل‌های گوناگون تعریف شده است. از آن جمله می‌توان به تعریف بانک جهانی و سازمان ملل در سال ۲۰۰۰ اشاره کرد که رشدی را حامی فقرا می‌دانند که به کاهشی معنی‌دار در فقر منجر شود و به موجب آن رشد، فقرا منتفع شوند و دسترسی آن‌ها به فرصت‌های اقتصادی برای ارتقای درآمدشان افزایش یابد. دات و راوالیون (۲۰۰۲) کشش بالای فقر برحسب رشد را رشد حامی فقرا معرفی کردند؛ کاکوانی و پرنیا (۲۰۰۰) رشد حامی فقرا را نوعی رشد می‌دانند که به فقرا امکان می‌دهد تا فعالانه در فعالیت‌های اقتصادی سهیم شوند و به‌طور متناسب بیش از افراد غیر فقیر از افزایش کل درآمد منتفع گردند. پس طبق الگوی «رشد حامی فقرا» رشد اقتصادی، فقر را کاهش می‌دهد ولی فقرا به‌طور متناسب منافع بیشتری کسب می‌کنند. به عبارت دیگر، رشد، فقر را همراه با کاهش در نابرابری، کاهش می‌دهد (Quote from Apounoorie & Abbasi Qadi, 2006: 30).

همچنین رشد حامی فقرا را می‌توان به دو قسمت مطلق و نسبی تقسیم نمود. که مفهوم نسبی رشد حامی فقرا عبارت است از رشدی که منافع آن بیشتر متوجه افراد فقیر می‌گردد تا افراد غیرفقیر و به این معنی است که رشد ضمن کاهش فقر، نابرابری را نیز به‌طور نسبی بهبود بخشیده است. چنانچه نفع مطلق رشدی که نصیب افراد فقیر می‌شود برابر یا بیشتر از نفع مطلق رشد افراد غیر فقیر باشد، رشد مطلق حامی فقرا خواهد بود. بر این اساس مفهوم رشد حامی فقرا، نابرابری مطلق در اثر رشد کاهش می‌یابد و این قوی‌ترین تعریف رشد حامی فقرا است که می‌توان آن را رشد کاملاً حامی فقرا نامید (Pirae, K. & Qanaatiian, 2006: 116).

۲-۵- اندازه‌گیری رشد حامی فقرا

برای اندازه‌گیری رشد حامی فقرا محققانی از قبیل مک‌کالج و بالچ (۲۰۰۰)، کاکوانی و پرنیا (۲۰۰۰)، کاکوانی و سان (۲۰۰۲) و راوالیون و چن (۲۰۰۳) و سان (۲۰۰۴) شاخص‌هایی را معرفی کرده‌اند. شاخص‌های مورد نظر دارای مزایا و معایبی است که در ادامه بررسی می‌شود. شاخص رشد پایه فقر (PBG²⁹) که توسط مک‌کالج و بالچ (۲۰۰۰) ارائه شده است، بر کاهش نابرابری تمرکز می‌کند و یکی از اشکالات این شاخص این است که همیشه اصل یکنواختی را برآورده نمی‌کند. مقادیر بالاتر PBG ممکن است

²⁹ Poverty bias of growth

به کاهش بیشتر فقر منجر نشود زیرا فقر به اثر رشد نیز بستگی دارد. بنابراین بعید به نظر می‌رسد که اثر رشد ثابت باشد تا شاخص PBG اصل یکنواختی را رعایت نماید (Son, 2007: 4). کاکوانی و پرنیا (۲۰۰۰) برای اندازه‌گیری رشد حامی فقرا (PPGI)، از نسبت کشش کل فقر با توجه به رشد^{۳۰} (درصد تغییرات فقر هنگامی که درآمد متوسط ۱ درصد تغییر کند) به کشش رشد فقر^{۳۱} (تغییر در فقر هنگامی که درآمد متوسط ۱ درصد است و نابرابری نسبی تغییر نکند) در نظر گرفتند. شاخص PPGI میزان واقعی رشد را در نظر نمی‌گرفت به این دلیل کاکوانی و سان (۲۰۰۲) شاخص نرخ رشد فقر معادل (PEGR^{۳۲}) را برای اندازه‌گیری دقیق‌تر رشد حامی فقرا معرفی کردند. بیان می‌کند که نرخ فقر در سطوح یکسانی از کاهش فقر (همان‌طور که در واقعیت دیده می‌شود)، با فرض اینکه تغییری در نابرابری در طول روند رشد وجود نداشته باشد، تعریف نمودند (Deutsch & Silber, 2011: 4). ویژگی مهم شاخص PEGR این است که تغییرات در نابرابری با افزایش یا کاهش نرخ رشد مرتبط است: یعنی کاهش (افزایش) در نابرابری منجر به افزایش (کاهش) در نرخ رشد می‌شود. علاوه بر آن PEGR بر خلاف سایر شاخص‌ها اصل یکنواختی را برآورد می‌کند. روالیون و چن (۲۰۰۳) شاخص منحنی انتشار رشد (GIC^{۳۳}) را تعریف نمودند که این شاخص دارای دو محدودیت است: اولاً روالیون و چن (۲۰۰۳) نرخ رشد حامی فقرا را به عنوان منطقه زیر GIC به نسبت سرانه تعریف کردند که برابر با تغییر در شاخص فقر وات است. از این رو GIC برخلاف PEGR فقط می‌تواند برای اندازه‌گیری فقر وات تعریف شود. ثانیاً GIC معیار یکنواختی را برآورد نمی‌کند. سپس سان (۲۰۰۴) منحنی رشد فقر (PGC^{۳۴}) را پیشنهاد نمود. اما این شاخص نمی‌تواند نتایج قطعی در مورد ماهیت رشد حامی فقرا برای همیشه به همراه داشته باشد. با این وجود این منحنی را می‌توان بدون داشتن خط فقر و یا اندازه فقر محاسبه کرد و همچنین در مقایسه با شاخص PGC، شاخص GIC همیشه از نتایج با ثبات‌تری برخوردار است (Son, 2007: 4). یکی از اصولی که در ادبیات پس از سن (۱۹۷۶) برای اندازه‌گیری فقر در نظر گرفته شده است، اصل یکنواختی هرگونه از دست دادن درآمد فقرا، باعث افزایش فقر می‌شود) می‌باشد. (Ravallion & Chen, 2003: 95). از آن جا که شاخص PEGR اصل یکنواختی را برآورده می‌کند و همچنین برای اندازه‌گیری شاخص PEGR به اندازه‌گیری شاخص PPGI نیاز است بنابراین در این تحقیق از شاخص‌های

³⁰ Total elasticity of poverty with respect to growth

³¹ Growth elasticity of poverty

³² Poverty equivalent growth rate

³³ Growth incidence curve

³⁴ Poverty growth curve

نرخ رشد معادل فقر و شاخص رشد حامی فقرا استفاده شده و در ادامه به نحوه اندازه‌گیری این دو شاخص پرداخته شده است.

۳- مطالعات پیشین

۳-۱- مطالعات خارجی

سان و کاکوانی در سال ۲۰۰۸ با هدف تجزیه و تحلیل رشد حامی فقرا در دوره ۲۰۰۱-۱۹۸۴، برای ۸۰ کشور به مطالعه پرداخته‌اند. یافته‌های تحقیق به‌طور خلاصه به این شرح است: نرخ تورم پایین با رشد حامی فقرا رابطه دارد و متغیرهای دیگر از جمله سهم کشاورزی در تولید ناخالص داخلی، آزادی تجارت و حاکمیت قانون رابطه قابل توجهی در شرایط تغییرات مثبت و منفی رشد با فقر دارند. با این حال، مطالعه مورد نظر ارتباط ناچیزی بین هر یک از این متغیرها و رشد حامی فقرا پیدا کرده است (Son & Kakwani, 2008).

کاکوانی، نری و سان (۲۰۱۰)، ارتباط بین الگوهای رشد، فقر و نابرابری با تمرکز بر نقش بازار کار و برنامه‌های اجتماعی طی روند جهانی شدن برزیل با استفاده از داده‌های ۱۹۹۵-۲۰۰۴ به مطالعه پرداخته‌اند. نتایج تحقیق نشان داد که سیاست‌های اجتماعی دولت نقش مهمی در حفاظت فقرا از شوک‌های خارجی برعهده داشته است که در غیر این صورت می‌توانست تأثیر مخربی بر شرایط زندگی فقرا داشته باشد (Kakwani, Neri & son, 2010).

زمان، مشتق خان، احمد و شبیر (۲۰۱۲)، با هدف رویکردهای مختلف اندازه‌گیری نرخ رشد حامی فقرا در بخش‌های کشاورزی، تولید کالا و بخش خدمات در دوره ۲۰۰۶-۱۹۹۹ به بررسی رشد حامی فقرا در کشور پاکستان پرداختند. محققان نتیجه می‌گیرند که به علت سیاست‌های دولت فدرال رشد در بخش‌های مختلف به‌عنوان حامی اغنیا طبقه‌بندی می‌شوند. پیشنهاد نمودند که بهتر است دولت سیاست‌هایی را اتخاذ نمایند که منافع رشد اقتصادی بیشتر به سمت افزایش رفاه فقرا هدایت شود (Zaman & Mushtaq Khan, 2012).

اوتچیا (۲۰۱۴)، سیاست‌های جمهوری دموکراتیک کنگو یعنی مدرن‌سازی کشاورزی، تغییر ساختاری و رشد حامی فقرا را مورد مطالعه قرار داده است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که تغییرات تکنولوژیکی با استفاده از نیروی کار، اثر رشد حامی فقرای نسبی و مطلق را به وجود می‌آورد، در حالی که تغییرات تکنولوژیکی با استفاده از سرمایه باعث ایجاد رشد فقرزا شده است. مهم‌تر از همه نتایج نشان می‌دهد که تغییرات تکنولوژیکی با استفاده از نیروی کار می‌تواند به‌طور مستقل برای کاهش فقر از طریق اثر رشد درآمدی کافی باشد (Otchia, 2014).

راشدان (۲۰۱۴)، رشد حامی فقرا در کشور مصر را بر اساس شاخص راولیون و چن (۲۰۰۳)، کاکوانی و پرنیا (۲۰۰۰) و کاکوانی، خاندکر و سان (۲۰۰۳) با خط فقر ۳۸ دلار برای هر فرد در ماه و اندازه‌گیری فقر با شاخص نسبت سرشماری و با استفاده از پکیج DASP^{۳۵} در دوره ۲۰۰۸-۱۹۹۰ را مورد بررسی قرار داده است. نتایج بیان می‌کند در دوره ۱۹۹۵-۱۹۹۰ شاخص‌های RPPG و PEGR حامی فقرا بوده است ولی شاخص PPGI ضد فقر بوده است و دلیل آن را بدین صورت بیان می‌دارد که بر اساس گزارش WDR در سال ۲۰۱۳، به‌رغم کاهش ضریب جینی به‌عنوان معیار اندازه‌گیری نابرابری، رشد سالانه هزینه مصرف خانوار از ۳/۷ درصد در سال ۱۹۹۰ به ۲/۴۴ درصد در سال ۱۹۹۵ کاهش یافته است، بنابراین فقرا از اصلاحات اقتصادی بهره‌مند نشده‌اند و برای شاخص PPGI که ضد فقر است تنها توضیح خواهد بود. در سایر دوره‌های مورد بررسی در دوره ۱۹۹۵-۲۰۰۰ شاخص‌های RPPG^{۳۶}، PPGI و PEGR به ترتیب ضد فقر، حامی فقرا و ضد فقر بوده است و در دوره ۲۰۰۵-۲۰۰۰ این شاخص‌ها ضد فقر را نشان می‌دهد و در دوره ۲۰۰۸-۲۰۰۴ رشد حامی فقرا است (Rashdan, 2014).

هارماچک، سیرواتاک و دوسکواف در سال ۲۰۱۷ با هدف مطالعه رشد حامی فقرا، کشورهای شرق آفریقا را بررسی کرده‌اند. محققین با استفاده از شاخص‌های مختلف رشد حامی فقرا و نیز استفاده از آخرین داده‌های منتشر شده در PovcalNet بانک جهانی و پکیج توزیعی تحلیلی استاتا (DASP) برای کشورهای شرق آفریقا (بروندی، کنیا، رواندا، تانزانیا و اوگاندا) به محاسبه و مقایسه درجه رشد حامی فقرا پرداخته‌اند. همچنین آنان بیان نمودند که به علت اینکه بر روی سیاست‌هایی جهت ارتقا رشد حامی فقرا تمرکز نشده است، پس برای مطالعه مورد نظر به زمان‌ها و دوره‌های مشابه برای کشورها محدود نخواهد بود. با توجه به نتایج به دست آمده بسیاری از کشورها از رشد نسبی حامی فقرا برخوردار هستند و همچنین در کشور رواندا بیشترین منافع رشد نصیب فقرا شده است و بیشترین کاهش فقر برای کشور تانزانیا بوده است (Harmáček, Syrovátka & Dušková, 2017).

۲-۳- مطالعات داخلی

ابونوری و عباسی قادی (۱۳۸۶) به برآورد اثر رشد اقتصادی بر فقر در ایران پرداخته‌اند. نتایج حاصل از این تجزیه و تحلیل حاکی از آن است که در طول دوره برنامه اول توسعه فقر افزایش یافته است با تجزیه فقر مشخص شد که کاهش در جزء نابرابری موجب تخفیف فقر ناشی از رکود اقتصادی شده است؛ یعنی کاهش سهم خانوارهای

³⁵ Distributive Analysis Stata Package

³⁶ Rate of pro-poor growth

پردرآمد، به صورت نسبی بیشتر از کاهش سهم خانوارهای کم‌درآمد بوده است. گرچه فقر در طول این دوره افزایش یافته است، اما خانوارهای فقیر در مقایسه با دیگران کمتر آسیب دیده‌اند. طی برنامه‌های توسعه اقتصادی-اجتماعی اول، دوم و سوم، رشد ناچیز نسبی اقتصادی در ایران به استثنای برنامه سوم در سایر دوره‌ها، فقرزدا نبوده است (Apounoorie & Abbasi Qadi, 2006).

باقری و کاوند (۱۳۸۷)، با استفاده از داده‌های ۱۳۸۴-۱۳۷۵ اثر رشد اقتصادی بر فقر و نابرابری را مورد مطالعه قرار می‌دهند. در پژوهش از برهان اتکینسون، منحنی لورنز تعمیم یافته به رشد اقتصادی و نابرابری درآمدی استفاده می‌شود. نتایج بیان می‌کند که رشد اقتصادی در اغلب سال‌های مورد بررسی در مناطق روستایی و شهری به نفع فقرا عمل کرده است که در مناطق شهری طی سال‌های ۷۸-۷۹، ۸۱-۸۲ و ۸۳-۸۴ و در مناطق روستایی، طی سال‌های ۷۷-۷۸، ۷۸-۷۹، ۷۹-۸۰ و ۸۰-۸۱ رشد متوسط درآمد به نفع فقرا بوده است؛ یعنی در این سال‌ها علاوه بر این که افزایش درآمد افراد فقیر بیش از افراد غیر فقیر بوده، نابرابری بین خانوارهای فقیر نیز کاهش یافته است (Bagheri & Kavand, 2008).

راغفر، باباپور و یزدان‌پناه (۱۳۹۴)، به بررسی رابطه رشد اقتصادی با فقر و نابرابری در ایران در طی برنامه‌های اول تا چهارم توسعه پرداخته‌اند. نتایج حاکی از آن است که متوسط نرخ فقر طی ۳۰ سال مورد بررسی حدوداً ۳۰ درصد بوده است. نتایج به دست آمده حکایت از آن دارند که با گذشت ۳۰ سال هنوز برنامه منسجمی برای کاهش فقر و نابرابری در کشور وجود ندارد. اگرچه در برنامه‌های پنج‌ساله همواره به سیاست‌های مربوط به کاهش فقر اشاره شده است، اما این سیاست‌ها نتوانسته‌اند به صورت مؤثر، موجب کاهش فقر در کشور شوند. بررسی اثر رشد اقتصادی بر فقر نیز نشان می‌دهد که الگوی رشد در مناطق شهری و کل کشور به استثنای سال پایانی برنامه اول و سال نخست برنامه دوم و در مناطق روستایی به استثنای سال نخست برنامه دوم و سال پایانی برنامه سوم در سایر دوره‌ها فقرزدا نبوده است (Raghfar, Babapour & Yazdanpanah, 2015).

رضاقلی‌زاده (۱۳۹۵)، تأثیر گردشگری بر مثلث فقر، نابرابری و رشد اقتصادی را با به کارگیری روش گشتاورهای تعمیم‌یافته (GMM) و با استفاده از آزمون‌های تئوری موجود در این زمینه مورد بررسی قرار داده است. همچنین رابطه بین متغیرهای تحقیق در ایران طی دوره زمانی ۱۳۵۰ تا ۱۳۹۱ مورد آزمون کمی قرار گرفته است. نتایج تجربی حاکی از آن است که گردشگری چشم‌اندازهای رشد اقتصادی در ایران را بهبود می‌بخشد و موجب افزایش GDP سرانه می‌شود. که نتایج نشان می‌دهد که رشد اقتصادی ناشی از گردشگری در ایران به طور کامل به نفع افراد فقیر نیست. بر اساس نتایج به دست آمده می‌توان گفت که توسعه گردشگری در ایران باعث کاهش نابرابری

می‌شود. از سوی دیگر بررسی تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم بر فقر نشان می‌دهد که توسعه گردشگری در ایران می‌تواند باعث کاهش فقر شود (Rezaghoolizadeh, 2016).
 درویشی و احمدی‌خواه (۱۳۹۶) با هدف اندازه‌گیری رشد حامی فقرا در مشاغل حقوق بگیر و مشاغل آزاد با استفاده از داده‌های هزینه-درآمد خانوار کشور و مدل کاکوانی و سان (۲۰۰۴)، پنج برنامه توسعه کشور مورد مطالعه قرار داده‌اند. نتایج نشان می‌دهد که در برنامه اول و دوم توسعه رشد به نفع مشاغل حقوق بگیر و در مشاغل آزاد فقرزا بوده است. در برنامه سوم توسعه رشد در مشاغل آزاد و حقوق بگیر (به جزء بخش عمومی) فقرزا بوده و در برنامه چهارم و پنجم توسعه برای همه گروه‌ها (به استثنای حقوق بگیران بخش تعاونی مناطق روستایی در برنامه چهارم) به فقرا آسیب رسانده است (Darvishi & Ahmadikhah, 2017).

مطالعات مختلفی موضوع رشد حامی فقرا را در کشور مورد بررسی قرار داده‌اند، اما تاکنون مطالعه‌ای که به مقایسه و اندازه‌گیری رشد حامی فقرا در کشورهای مختلف پرداخته باشد، صورت نگرفته است. همچنین در این تحقیق ماهیت رشد بدون در نظر گرفتن عوامل تأثیرگذار بر رشد مورد بررسی قرار گرفته شده که تفاوت اصلی این مطالعه با سایر مطالعات می‌باشد.

۴- روش

برای پاسخگویی به پرسش‌های مطالعه، محققین شاخص فقر FGT (فاستر، گریر و توربک) یعنی نسبت فقر سرشمار^{۳۷} (H)، نسبت شکاف فقر^{۳۸} (PG) و مجذور شکاف فقر^{۳۹} (SPG) را بکار برده‌اند^{۴۰}.

داده‌های این پژوهش از پایگاه اطلاع‌رسانی PovcalNet به عنوان یک ابزار آنلاین برای نظارت بر فقر جهانی گرفته شده، که برای محاسبه شاخص‌های رشد حامی فقرا داده‌های تجزیه‌نشده^{۴۱} (در سطح خانوار) مورد نیاز است که پایگاه اطلاع‌رسانی PovcalNet آن‌ها را منتشر نمی‌کند بلکه داده‌های تجزیه‌شده^{۴۲} را منتشر می‌نماید (Harmáček, Syrovátka & Dušková, 2017)، بنابراین، برای رفع این محدودیت از

³⁷ Poverty headcount ratio

³⁸ Poverty gap ratio

³⁹ poverty gap squared

^{۴۰} راغفر و همکاران (۱۳۹۴) نسبت سرشمار فقر را نسبت افراد دارای درآمد زیرخط فقر را به کل جامعه تعریف کرده است. نسبت شکاف فقر را درآمد فرد فقیر به اندازه‌ای افزایش یابد که فرد فقیر از زیرخط فقر خارج شود و مجذور شکاف فقر که شدت فقر نامیده می‌شود در این شاخص وزن بیشتری به افرادی که فقیرتر هستند داده می‌شود، تعریف کرد.

⁴¹ disaggregate

⁴² aggregate

پکیجی به نام DASP (پکیج توزیعی تحلیلی استاتا) استفاده می‌شود (Araar & Duclos, 2007). برای این منظور با استفاده از DASP تعداد مشخصی از داده‌های تجزیه نشده تولید و سپس درآمد متوسط در داده‌های تولید شده ضرب خواهد شد (این کار برای همه دوره‌ها انجام می‌شود) سپس می‌توان شاخص‌های رشد حامی فقرا (با استفاده از رویه‌های ریاضی ارائه شده توسط نویسندگان شاخص‌های PPGI و PEGR که در قسمت بعد مورد بررسی قرار می‌گیرد) محاسبه و مورد بررسی قرار داد. همچنین داده‌ها برای سال‌های مختلف است و دوره‌های بررسی برای کشورها متفاوت است، اما این محدودیت مشکل بزرگی را نشان نمی‌دهد، زیرا هدف اصلی این پژوهش این است که آیا با استفاده از اقدامات مختلف (PPGI و PEGR)، رشد اخیر در کشورهای اسلامی را می‌توان به عنوان حامی فقرا محسوب کرد یا خیر. همچنین، تمرکز این پژوهش بر روی تجزیه و تحلیل رشد حامی فقرا به‌طور جداگانه در ۹ کشور اسلامی، برای دوره‌هایی است که داده‌ها در دسترس باشند، سپس نتایج در کشورهای اسلامی مورد بررسی قرار خواهند گرفت. از آنجا که محقق بر روی سیاست‌هایی جهت ارتقاء رشد حامی فقرا تمرکز نکرده است بنابراین بررسی رشد حامی فقرا در کشورهای اسلامی محدود به زمان‌های مشابه نمی‌باشد. در ادامه به‌طور مختصر به شاخص‌های رشد حامی فقرا پرداخته می‌شود.

در این مطالعه برای بررسی دقیق رشد حامی فقرا^{۴۳} دو شاخص PPGI و PEGR اندازه‌گیری می‌شود.

یکی از شاخص‌های عملیاتی برای اندازه‌گیری رشد حامی فقرا شاخص PPGI است که توسط کاکوانی و پرنیا (۲۰۰۰) برای سه کشور لائوس، تایلند و کره مورد بررسی قرار گرفت.

در این شاخص سعی شده است که فقر بین دو دوره ۱ (سال پایه) و ۲ (سال پایانی) براساس رشد و نابرابری توضیح داده شود؛ بنابراین تغییر در فقر بین دو دوره به‌صورت زیر نوشته می‌شود:

$$P_{21} = P_2 - P_1 = \ln P(z, \mu_2, L_2(p)) - \ln P(z, \mu_1, L_1(p)) \quad (1)$$

در معادله ۱، z خط فقر است که در هر دوره ثابت است، μ_1 و μ_2 درآمد متوسط (براساس تغییر قیمت بین دو دوره تنظیم می‌شود) در دوره ۱ و ۲ است، $L_1(p)$ و $L_2(p)$ منحنی لورنز برای سال‌های ۱ و ۲ است.

کاکوانی (۲۰۰۰) تلاش کرد تا با شکل عملکردی مشابه یک مجموعه از قواعد کلی منطقی عقلانی مشخص کند که با استفاده از این روش به حالت‌های اثرات رشد و نابرابری زیر پی برده است:

⁴³ pro-poor growth

$$GE=0.5[\ln P(z,\mu_2,L_1(p))-\ln P(z,\mu_1,L_1(p)) + \ln P(z,\mu_2,L_2(p))-\ln P(z,\mu_1,L_2(p))] \quad (2)$$

و اثر نابرابری به صورت زیر بیان می‌شود:

$$IE=0.5[\ln P(z,\mu_1,L_2(p))-\ln P(z,\mu_1,L_1(p)) + \ln P(z,\mu_2,L_2(p))-\ln P(z,\mu_2,L_1(p))] \quad (3)$$

حال می‌توان میزان فقر را به اثر رشد (GE) و اثر نابرابری (IE)، تجزیه کرد؛ بنابراین تغییر نسبی فقر بین دو دوره از رابطه $P_{21}=GE+IE$ که از مجموع اثر رشد و اثر نابرابری می‌باشد، به دست می‌آید. تغییر در درآمد متوسط زمانی که نابرابری تغییر نکند، اثر رشد می‌باشد و زمانی که نابرابری تغییر کند و درآمد متوسط تغییر نکند، اثر نابرابری می‌باشد.

اگر رشد درآمد متوسط بین دو دوره زمانی را g_{21} در نظر بگیریم و کشش کل فقر

با توجه به رشد η باشد، آنگاه $\eta = \frac{P_{21}}{g_{21}}$ می‌باشد که η عبارت است از درصد تغییرات

فقر هنگامی که درآمد متوسط یک درصد تغییر کند. همچنین رشد کشش فقر را با η_g نشان داده می‌شود و علامت آن همیشه منفی است که به این معناست که رشد همیشه

فقر را کاهش می‌دهد، زمانی که نابرابری نسبی تغییر نکند و به وسیله $\eta_g = \frac{GE}{g_{21}}$ به

دست می‌آید. نابرابری کشش فقر را با η_i نشان می‌دهند علامت آن می‌تواند منفی و

یا مثبت باشد و به وسیله $\eta_i = \frac{IE}{g_{21}}$ به دست می‌آید و تفسیر آن عبارت است از تغییر

در فقر هنگامی که تغییرات نابرابری یک درصد است و درآمد متوسط تغییر نکند. با استفاده از مطالب بالا می‌توان به نتیجه‌ی $\eta = \eta_g + \eta_i$ رسید.

در نتیجه برای محاسبه رشد حامی فقرا با استفاده از شاخص رشد حامی فقرا به

اندازه‌گیری شاخص رشد حامی فقرا (PPGI) پرداخته می‌شود.

یکی از عوامل رشد حامی فقرا توسط کاکوانی و پرنیا (۲۰۰۰) است که از رابطه زیر

به دست می‌آید:

$$PPGI = \frac{\eta}{\eta_g} \quad (4)$$

η : کشش کل فقر با توجه به رشد

η_g : کشش رشد فقر

PPGI را می‌توان کشش کل فقر بر کشش رشد فقر تعریف کرد.

شاخص PPGI درجه رشد حامی فقرا را اندازه‌گیری می‌کند و اصل یکنواختی را در

نظر نمی‌گیرد. در صورتی که رشد مثبت باشد، کاکوانی و پرنیا (۲۰۰۰) درجه رشد حامی

فقرا را به صورت زیر تقسیم بندی می‌نمایند:

اگر $PPGI < 0$ باشد، رشد فقرزا خواهد بود.

اگر $0.00 \leq PPGI \leq 0.33$ ، رشد ضعیف حامی فقرا است.

اگر $0.33 \leq PPGI \leq 0.66$ ، رشد متوسط حامی فقرا است.

اگر $0.66 \leq PPGI \leq 1$ ، رشد حامی فقرا است.

اگر $PPGI > 1$ ، رشد قویاً حامی فقرا است.

در صورتی که نرخ رشد درآمد متوسط منفی و اقتصاد با رکود همراه باشد رشد در صورتی حامی فقرا است که $PPGI < 1$ و اگر $PPGI > 1$ باشد رشد از نوع ضد فقر می‌باشد. شاخص $PPGI$ رشد واقعی و اصل یکنواختی (با افزایش درآمد افراد فقیر، فقر کاهش پیدا می‌کند) را در نظر نمی‌گیرد. برای رفع این محدودیت‌ها در شاخص $PPGI$ ، کاکوانی و سان (۲۰۰۳) شاخص $PEGR$ را معرفی کردند. این شاخص اصل یکنواختی را در نظر می‌گیرد، که براساس این اصل شاخص $PEGR$ با تغییر جهت فقر سازگار است، یعنی ارزش مثبت (منفی) $PEGR$ به کاهش (افزایش) فقر منجر می‌شود. همچنین براساس این اصل، هرچه قدر $PEGR$ بزرگ باشد، نشان‌دهنده سرعت بیشتر کاهش فقر در کشورها می‌باشد، بنابراین در کاهش فقر موفق عمل کرده‌اند. شاخص نرخ رشد معادل فقر ($PEGR$) از حاصل ضرب نرخ رشد درآمد متوسط (g) در شاخص $PPGI$ به دست می‌آید:

$$PEGR = g \cdot PPGI \quad (۵)$$

برای محاسبه $PEGR$ الزامی است که ابتدا شاخص $PPGI$ را محاسبه نماییم. برای تفسیر این شاخص براساس مقاله هارماچک و همکاران (۲۰۱۷): اگر $PEGR > g$ باشد رشد به معنای نسبی حامی فقرا است و اگر $PEGR$ بین e و g باشد، رشد با افزایش نابرابری همراه خواهد بود اما همچنان فقر را کاهش می‌دهد یعنی نوع رشد سرریز است، در شرایطی که نرخ رشد میانگین درآمد منفی باشد، اگر $|PEGR| < |g|$ باشد رشد از نوع حامی فقرا می‌باشد (بدین معنا که فقر افزایش پیدا می‌کند اما آسیب فقرا نسبت به غیر فقرا کمتر است).

۵- نتایج، مقایسه و بحث (Results, comparisons and discussions)

در بخش قبلی شاخص‌های مورد استفاده در تحقیق به طور مختصر معرفی شدند. در این بخش به اندازه‌گیری و مقایسه شاخص‌های رشد حامی فقرا (PPG) در ۹ کشور اسلامی پرداخته می‌شود. در این تحقیق به ماهیت رشد در کشورهای مورد مطالعه تأکید شده و در بخش بعدی به نتایج آماری مطالعه پرداخته می‌شود.

۵-۱- نتایج PPGI

جدول ۱: نتایج تخمین شاخص رشد حامی فقرا (PPGI)

Table 1: Result Pro-poor Growth (PPGI)

کشور	دوره	رشد میانگین درآمد (g)	اندازه‌گیری فقر	PPGI	تفسیر
ایران	۱۹۹۸-۱۹۹۴	۰/۱۳۲۷	HC	۰/۴۲۴۸ (۰/۰۴۶۵)	سرریز
			PG	۰/۳۱۳۹ (۰/۰۰۰۸)	سرریز
			SPG	۰/۲۶۰۱ (۰/۰۰۸۲)	سرریز
ایران	۲۰۰۶-۱۹۹۸	۰/۶۵۱۵	HC	۱/۰۷۱۴ (۰/۰۱۷۴)	حامی فقرا
			PG	۰/۹۸۸۲ (۰/۰۰۷۲)	سرریز
			SPG	۰/۹۵۹۸ (۰/۰۱۱۸)	سرریز
ایران	۲۰۱۴-۲۰۰۶	-۰/۰۹۵۴	HC	-۰/۴۳۴۸ (۰/۰۴۹۶)	فقرا
			PG	-۰/۴۶۳۴ (۰/۰۴۵۷۴)	فقرا
			SPG	-۰/۴۱۶۸ (۰/۰۴۲۱۶)	فقرا
بنگلادش	۲۰۰۰-۱۹۹۱	۰/۲۷۶۸	HC	۰/۵۳۱۳ (۰/۰۱۲۱)	سرریز
			PG	۰/۵۱۳۴ (۰/۰۰۳۹)	سرریز
			SPG	۰/۵۳۱۳ (۰/۰۰۳۵)	سرریز
بنگلادش	۲۰۰۵-۲۰۰۰	۰/۱۱۶۹	HC	۱/۰۹۶۲ (۰/۰۱۱۴)	حامی فقرا
			PG	۰/۹۰۵۵ (۰/۰۰۲۳)	سرریز
			SPG	۰/۸۸۰۱ (۰/۰۰۲۴)	سرریز
بنگلادش	۲۰۱۰-۲۰۰۵	۰/۰۷۰۴	HC	۱/۳۰۶۲ (۰/۰۳۱۶)	حامی فقرا
			PG	۰/۹۵۷۱ (۰/۰۰۸۴)	سرریز
			SPG	۰/۸۲۸۳ (۰/۰۰۰۷)	سرریز
پاکستان	۲۰۰۱-۱۹۹۶	-۰/۱۱۴۷	HC	۱/۳۱۳۴ (۰/۰۹۷۵)	فقرا
			PG	۱/۱۹۲۲ (۰/۰۹۲۸)	فقرا
			SPG	۱/۱۲۵۶ (۰/۱۰۵۵)	فقرا
پاکستان	۲۰۰۷-۲۰۰۱	۰/۲۸۳۹	HC	۰/۹۰۹۵ (۰/۰۰۰۷)	سرریز
			PG	۰/۸۵۱۴ (۰/۰۰۲۶)	سرریز
			SPG	۰/۸۵۰۴ (۰/۰۰۲۵)	سرریز
پاکستان	۲۰۱۳-۲۰۰۷	۰/۱۶۱۹	HC	۱/۱۰۴۴ (۰/۰۱۳۸)	حامی فقرا
			PG	۰/۹۲۳۷ (۰/۰۰۵۹)	سرریز
			SPG	۰/۸۳۲۶ (۰/۰۰۹۹)	سرریز
تاجیکستان	۲۰۰۴-۱۹۹۹	۰/۹۵۳۶	HC	۰/۹۰۷۶ (۰/۰۰۴۵)	سرریز
			PG	۰/۸۷۵۲ (۰/۰۰۳۷)	سرریز
			SPG	۰/۸۷۹۸ (۰/۰۰۰۳)	سرریز
تاجیکستان	۲۰۰۹-۲۰۰۴	۰/۳۳۷۵	HC	۱/۱۱۹۳ (۰/۰۱۱۹)	حامی فقرا
			PG	۱/۰۰۴۶ (۰/۰۰۳۵)	حامی فقرا
			SPG	۰/۹۵۷۳ (۰/۰۰۰۴)	سرریز
تاجیکستان	۲۰۱۵-۲۰۰۹	۰/۱۷۴۱	HC	-۰/۰۰۴۶ (۰/۰۰۴۶)	فقرا
			PG	-۰/۲۷۲۹ (۰/۰۱۴۶)	فقرا
			SPG	-۰/۵۹۲۵ (۰/۰۲۶۷)	فقرا
ترکیه	۲۰۰۶-۲۰۰۲	۰/۱۶۸۴	HC	-۰/۱۳۷۴ (۰/۰۳۴۵)	فقرا
			PG	-۰/۵۸ (۰/۰۱۳۳)	فقرا
			SPG	-۰/۹۳۱۵ (۰/۰۲۶۳)	فقرا
ترکیه	۲۰۱۰-۲۰۰۶	۰/۱۷۳۸	HC	۱/۱۶۲۲ (۰/۰۴۱۲)	حامی فقرا
			PG	۰/۹۵۵۷ (۰/۰۱۳۱)	سرریز
			SPG	۰/۸۵۵۹ (۰/۰۲۵۲)	سرریز
ترکیه	۲۰۱۴-۲۰۱۰	۰/۲۳۴۸	HC	۰/۹۷۹۲ (۰/۰۲۱۵)	سرریز
			PG	۰/۸۴۷۷ (۰/۰۲۷۹)	سرریز
			SPG	۰/۷۶۴۸ (۰/۰۴۶۹)	سرریز
سرریز			HC	۰/۹۴۴۸ (۰/۰۰۴۹)	

سرریز	۰/۸۶۰۷ (۰/۰۰۳۱)	PG	۰/۵۲۱۸	۲۰۰۵-۲۰۰۰	قرقیزستان
سرریز	۰/۸۵۰۶ (۰/۰۰۴۱)	SPG			
حامی فقرا	۱/۱۲۲۴ (۰/۰۱۰۸)	HC			
حامی فقرا	۱/۰۲۹ (۰/۰۰۳۸)	PG	۰/۴۳	۲۰۰۹-۲۰۰۵	قرقیزستان
سرریز	۰/۹۸۱۵ (۰/۰۰۵۵)	SPG			
حامی فقرا	۰/۷۷۲۷ (۰/۲۲۲۹)	HC			
حامی فقرا	۰/۴۸۸۸ (۰/۲۴۲۲)	PG	-۰/۰۹۳۹	۲۰۱۳-۲۰۰۹	قرقیزستان
حامی فقرا	۰/۲۱۲۹ (۰/۲۵۴۴)	SPG			
حامی فقرا	۱/۳۱۱۲ (۰/۰۲۴)	HC			
حامی فقرا	۱/۱۵۹ (۰/۰۰۸۵)	PG	۰/۴۹۲۲	۲۰۰۶-۲۰۰۱	قزاقستان
حامی فقرا	۱/۰۹۰۲ (۰/۰۰۵)	SPG			
حامی فقرا	۱/۲۴۴۴ (۰/۰۸۲۳)	HC			
حامی فقرا	۱/۱۵۳۰ (۰/۰۲۷۱)	PG	۰/۲۳۲۸	۲۰۱۰-۲۰۰۶	قزاقستان
حامی فقرا	۱/۰۹۴۹ (۰/۰۱۴۳)	SPG			
حامی فقرا	۱/۲۸۵۷ (۰/۲۲۹۲)	HC			
حامی فقرا	۱/۲۸۶۳ (۰/۱۲۹۴)	PG	۰/۱۶۴۳	۲۰۱۵-۲۰۱۰	قزاقستان
حامی فقرا	۱/۲۱۵۷ (۰/۰۹۱۳)	SPG			
فقرا	۱/۲۰۸۷ (۰/۲۲۸۹)	HC			
حامی فقرا	۰/۷۹۲۴ (۰/۱۹۴۳)	PG	-۰/۱۱۹۳	۲۰۰۴-۱۹۹۹	مصر
حامی فقرا	۰/۵۹۷۳ (۰/۱۹۹۲)	SPG			
حامی فقرا	۱/۰۷۴۴ (۰/۰۲۷۱)	HC			
سرریز	۰/۹۲۱۵ (۰/۰۰۸۸)	PG	۰/۰۶۲۱	۲۰۱۰-۲۰۰۴	مصر
سرریز	-۰/۸۶۵۶ (۰/۰۱۴)	SPG			
سرریز	۰/۹۴۵۶ (۰/۰۱۷۱)	HC			
سرریز	۰/۹۰۹۳ (۰/۰۰۶۵)	PG	۰/۱۶۳۹	۲۰۱۵-۲۰۱۰	مصر
سرریز	۰/۸۷۸۱ (۰/۰۱۱۸)	SPG			
سرریز	۰/۷۷۲۷ (۰/۰۲۳۹)	HC			
سرریز	۰/۴۵۰۳ (۰/۰۰۷۶)	PG	۰/۲۸۰۳	۲۰۰۵-۱۹۹۴	نیجر
سرریز	۰/۴۱۴۹ (۰/۰۰۵۷)	SPG			
حامی فقرا	۱/۴۹۶۴ (۰/۰۴۲۴)	HC			
حامی فقرا	۱/۰۲۸۱ (۰/۰۱۵۲)	PG	۰/۴۷۱	۲۰۱۴-۲۰۰۵	نیجر
سرریز	۰/۹۴۸۲ (۰/۰۱)	SPG			

مأخذ: محاسبات تحقیق HC: نسبت سرانه، PG: نسبت شکاف فقر، SPG: مجذور شکاف فقر. خطاهای استاندارد تخمین‌ها داخل پرانتز. (*) بدان معنی است که نتایج ناکافی است به طوری که در فاصله اطمینان ۹۵ درصد برای شناسایی نوع رشد حامی فقرا در نقطه آستانه وجود دارد (این آستانه برای شاخص PPGI 0 یا 1 است).

Source: Author's calculations. HC = headcount ratio, PG = poverty gap ratio, SPG = squared poverty gap. Standard errors of the estimates in parentheses. The sign (*) means that the result is insignificant in the way that the 95% confidence interval contains a threshold for identification of the type of pro-poor growth (This is the threshold for PPGI 0 or 1).

در جدول ۱ مشاهده می‌شود که تنها کشور قزاقستان (۲۰۰۱-۲۰۰۶، ۲۰۰۱-۲۰۰۶، ۲۰۰۱-۲۰۰۵، ۲۰۱۰-۲۰۰۶) زمانی که فقر با شاخص‌های HC، PG و SPG اندازه‌گیری می‌شود رشد قوی حامی فقرا را تجربه کرده است این نشان می‌دهد که منافع فقرا در این دوره بیشتر از غیرفقرا بوده و به طور کلی رشد در کاهش فقر و نابرابری نسبی بین فقرا و غیرفقرا موفق بوده است. اما در کشورهای ایران (۲۰۰۶-۱۹۹۸)، بنگلادش (۲۰۰۵-۲۰۰۰ و ۲۰۰۵-۲۰۰۰)، پاکستان (۲۰۱۳-۲۰۰۷)، ترکیه (۲۰۱۴-۲۰۱۰) و مصر (۲۰۱۰-۲۰۰۴) هنگامی که فقر با

شاخص HC اندازه گرفته می‌شود، PPGI رشد قوی حامی فقرا را نشان می‌دهد که می‌توان نتیجه گرفت فقرا از منافع بیشتری نسبت به غیرفقرا بهره‌مند شده‌اند و همچنین منافع افرادی که نزدیک خط فقر زندگی می‌کنند نسبت به فقیرترین گروه فقرا بیشتر است.

کشورهای ایران (۲۰۱۴-۲۰۰۶)، پاکستان (۲۰۰۱-۱۹۹۶)، تاجیکستان (۲۰۱۵-۲۰۰۹) و ترکیه (۲۰۰۶-۲۰۰۲) رشد فقر را با شاخص‌های مختلف اندازه‌گیری فقر FGT تجربه کرده‌اند و فقر در آن افزایش پیدا کرده است. و در نتیجه نابرابری بین فقرا و غیرفقرا افزایش یافته است.

اما شرایط در کشور قرقیزستان (۲۰۱۳-۲۰۰۹) هنگامی که فقر را با شاخص‌های HC، PG و SPG و کشور مصر (۲۰۰۴-۱۹۹۹) هنگامی که فقر را با شاخص HC و PG اندازه‌گیری می‌کنند، متفاوت است. زیرا رشد درآمد متوسط در این کشورها منفی می‌باشد و به طور کلی رشد منفی باعث افزایش فقر شده است. بنابراین شاخص PPGI در قرقیزستان نشان می‌دهد که از دست دادن درآمد ناشی از رشد منفی به طور نسبی برای فقرا کمتر از غیرفقرا است و نابرابری نسبی بین فقرا و غیرفقرا کاهش پیدا کرده است. اما در کشور مصر اگر PPGI با شاخص فقر HC اندازه‌گیری شود نشان می‌دهد که فقرا آسیب بیشتری را نسبت به غیرفقرا تجربه کرده‌اند اما اگر بر فقیرترین گروه‌ها تأکید شود، شاخص PPGI نشان دهنده آن است که به طور واقعی نابرابری نسبی کاهش یافته است و این کاهش نابرابری بوسیله اندازه‌گیری فقر با شاخص‌های PG و SPG نشان داده می‌شود و تغییر جهت فقر را بودن به حامی فقرا تأیید می‌کند.

در سایر موارد با استفاده از شاخص‌های HC، PG و SPG نتایج متفاوتی به دست آمده است که در بیشتر موارد رشد از طریق هدایت منافع از بالا به پایین و با درجات مختلف (با استفاده از دسته‌بندی کاکوانی و پرنیا (۲۰۰۰) حامی فقرا بوده است و همچنین هرچقدر درجه اندازه‌گیری فقر FGT پایین‌تر، درجه رشد حامی فقرا قوی‌تر بوده است و یک ارتباط بین رشد نسبی حامی فقرا با درجه اندازه‌گیری فقر FGT وجود دارد. زمانی که کشورها رشد سرریز را تجربه کرده‌اند، نتایج نشان می‌دهد که کشورهای تاجیکستان (۲۰۰۴-۱۹۹۹)، پاکستان (۲۰۰۷-۲۰۰۱)، قرقیزستان (۲۰۰۵-۲۰۰۰)، ترکیه (۲۰۱۰-۲۰۱۴) و مصر (۲۰۱۵-۲۰۱۰) نسبت به سایر کشورها از درجات قوی‌تر رشد حامی فقرا برخوردار بوده‌اند.

همچنین جدول ۱، نتایج مطالعاتی هارماچک و همکاران (۲۰۱۷) را تأیید می‌کند. رشد نسبی حامی فقرا با کاهش درجه اندازه‌گیری فقر FGT افزایش می‌یابد، یعنی مقدار بالاتر PPGI، به طور معمول با شاخص سرشمار فقر ارتباط دارد. بدین معنا است که

افرادی که نزدیک خط فقر زندگی می‌کنند از منافع رشد بیشتری بهره‌مند می‌شوند و افرادی که بالای خط فقر زندگی می‌کنند، از منافع رشد کمتری بهره‌مند می‌شوند.

۲-۵- نتایج PEGR

جدول ۲: نتایج تخمین نرخ رشد معادل فقر (PEGR)

Table 2: Result Poverty equivalent growth rate

کشور	دوره	رشد میانگین درآمد (g)	اندازه‌گیری فقر	PEGR	تفسیر	مفهوم نسبی رشد حامی فقرا
ایران	۱۹۹۸-۱۹۹۴	۰/۱۳۲۷	HC	۰/۰۵۶۳ (۰/۰۰۶۲)	سرریز	نه
			PG	۰/۰۴۱۶ (۰/۰۰۱۱)	سرریز	نه
			SPG	۰/۰۳۴۵ (۰/۰۰۱۱)	سرریز	نه
ایران	۲۰۰۶-۱۹۹۸	۰/۶۵۱۵	HC	۰/۶۹۸ (۰/۰۱۱۴)	حامی فقرا	بله
			PG	۰/۶۴۳۸ (۰/۰۰۴۸)	سرریز	نه
			SPG	۰/۶۲۵۳ (۰/۰۰۷۷)	سرریز	نه
ایران	۲۰۱۴-۲۰۰۶	-۰/۰۹۵۴	HC	۰/۰۴۱۵ (۰/۰۴۷۴)	حامی فقرا	بله
			PG	۰/۰۴۴۲ (۰/۰۴۳۷)	حامی فقرا	بله
			SPG	۰/۰۳۹۸ (۰/۰۴۰۳)	حامی فقرا	بله
بنگلادش	۲۰۰۰-۱۹۹۱	۰/۲۷۶۸	HC	۰/۱۴۷ (۰/۰۰۳۱)	سرریز	نه
			PG	۰/۱۴۲۱ (۰/۰۰۰۹)	سرریز	نه
			SPG	۰/۱۴۷ (۰/۰۰۱۱)	سرریز	نه
بنگلادش	۲۰۰۵-۲۰۰۰	۰/۱۱۶۹	HC	۰/۱۲۸۱ (۰/۰۰۱۳)	حامی فقرا	بله
			PG	۰/۱۰۵۸ (۰/۰۰۰۲)	سرریز	نه
			SPG	۰/۱۰۲۹ (۰/۰۰۰۲)	سرریز	نه
بنگلادش	۲۰۱۰-۲۰۰۵	۰/۰۷۰۴	HC	۰/۰۹۱۹ (۰/۰۰۲۱)	حامی فقرا	بله
			PG	۰/۰۶۷۴ (۰/۰۰۰۳)	سرریز	نه
			SPG	۰/۰۵۸۳ (۰/۰۰۰۳)	سرریز	نه
پاکستان	۲۰۰۱-۱۹۹۶	-۰/۱۱۴۷	HC	-۰/۱۵۰۷ (۰/۰۱۱۴)	فقرا	نه
			PG	-۰/۱۳۶۸ (۰/۰۱۰۸)	فقرا	نه
			SPG	-۰/۱۲۹۲ (۰/۰۱۲۲)	فقرا	نه
پاکستان	۲۰۰۷-۲۰۰۱	۰/۲۸۳۹	HC	۰/۲۵۸۲ (۰/۰۰۱۹)	سرریز	نه
			PG	۰/۲۴۱۷ (۰/۰۰۰۷)	سرریز	نه
			SPG	۰/۲۴۱۴ (۰/۰۰۰۷)	سرریز	نه
پاکستان	۲۰۱۳-۲۰۰۷	۰/۱۶۱۹	HC	۰/۱۷۸۸ (۰/۰۰۲۲)	حامی فقرا	بله
			PG	۰/۱۴۹۶ (۰/۰۰۰۹)	سرریز	نه
			SPG	۰/۱۳۴۸ (۰/۰۰۱۶)	سرریز	نه
تاجیکستان	۲۰۰۴-۱۹۹۹	۰/۹۵۳۶	HC	۰/۸۶۵۵ (۰/۰۰۴۴)	سرریز	نه
			PG	۰/۸۳۴۶ (۰/۰۰۲۹)	سرریز	نه
			SPG	۰/۸۳۹ (۰/۰۰۳۳)	سرریز	نه
تاجیکستان	۲۰۰۹-۲۰۰۴	۰/۳۳۷۵	HC	۰/۳۷۷۸ (۰/۰۰۳۹)	حامی فقرا	بله
			PG	۰/۳۳۹ (۰/۰۰۱۳)	حامی فقرا	بله
			SPG	۰/۳۲۳۱ (۰/۰۰۱۵)	سرریز	نه
تاجیکستان	۲۰۱۵-۲۰۰۹	۰/۱۷۱۴	HC	-۰/۰۰۰۸ (۰/۰۰۰۸)	فقرا	نه
			PG	-۰/۰۴۷۵ (۰/۰۰۲۵)	فقرا	نه
			SPG	-۰/۱۰۳۲ (۰/۰۰۴۶)	فقرا	نه
ترکیه	۲۰۰۶-۲۰۰۲	۰/۱۶۸۴	HC	-۰/۰۲۳۱ (۰/۰۰۵۸)	فقرا	نه
			PG	-۰/۰۹۷۷ (۰/۰۰۲۳)	فقرا	نه
			SPG	-۰/۱۵۶۸ (۰/۰۰۴۵)	فقرا	نه

ترکیه	۲۰۱۰-۲۰۰۶	۰/۱۷۳۸	HC PG SPG	۰/۲۰۱۹ (۰/۰۰۷۲) ۰/۱۶۶۱ (۰/۰۰۲۳) ۰/۱۴۸۷ (۰/۰۰۴۴)	حامی فقرا سرریز سرریز	بله نه نه
ترکیه	۲۰۱۴-۲۰۱۰	۰/۲۳۴۸	HC PG SPG	۰/۲۲۹۹ (۰/۰۰۴۸) ۰/۱۹۸۴ (۰/۰۰۶۶) ۰/۱۷۹۶ (۰/۰۱۱)	سرریز سرریز سرریز	نه نه نه
قرقیزستان	۲۰۰۵-۲۰۰۰	۰/۵۲۱۸	HC PG SPG	۰/۴۹۳ (۰/۰۰۲۴) ۰/۴۴۹۲ (۰/۰۰۲) ۰/۴۴۳۹ (۰/۰۰۲۶)	سرریز سرریز سرریز	نه نه نه
قرقیزستان	۲۰۰۹-۲۰۰۵	۰/۴۳	HC PG SPG	۰/۴۸۲۶ (۰/۰۰۴۶) ۰/۴۴۲۴ (۰/۰۰۱۸) ۰/۴۲۲ (۰/۰۰۲۵)	حامی فقرا حامی فقرا سرریز	بله بله نه
قرقیزستان	۲۰۱۳-۲۰۰۹	-۰/۰۹۳۹	HC PG SPG	-۰/۰۷۲۶ (۰/۰۲۰۹) -۰/۰۴۵۹ (۰/۰۲۲۷) -۰/۰۲۰۰ (۰/۰۲۳۹)	حامی فقرا حامی فقرا حامی فقرا	بله بله بله
قزاقستان	۲۰۰۶-۲۰۰۱	۰/۴۹۲۲	HC PG SPG	۰/۶۵۰۳ (۰/۰۱۱۸) ۰/۵۷۰۴ (۰/۰۰۴۳) ۰/۵۳۶۶ (۰/۰۰۲۸)	حامی فقرا حامی فقرا حامی فقرا	بله بله بله
قزاقستان	۲۰۱۰-۲۰۰۶	۰/۲۳۲۸	HC PG SPG	۰/۲۸۹۷ (۰/۰۱۹۱) ۰/۲۶۸۴ (۰/۰۰۶۳) ۰/۲۵۴۹ (۰/۰۰۳۴)	حامی فقرا حامی فقرا حامی فقرا	بله بله بله
قزاقستان	۲۰۱۵-۲۰۱۰	۰/۱۶۴۳	HC PG SPG	۰/۲۱۱۳ (۰/۰۳۷۶) ۰/۲۱۱۴ (۰/۰۲۱۳) ۰/۱۹۹۸ (۰/۰۱۵)	حامی فقرا حامی فقرا حامی فقرا	بله بله بله
مصر	۲۰۰۴-۱۹۹۹	-۰/۱۱۹۳	HC PG SPG	-۰/۱۴۴۲ (۰/۰۲۷۵) -۰/۰۹۴۵ (۰/۰۲۳۳) -۰/۰۷۱۲ (۰/۰۲۳۸)	فقرا حامی فقرا حامی فقرا	نه بله بله
مصر	۲۰۱۰-۲۰۰۴	۰/۰۶۲۱	HC PG SPG	۰/۰۶۶۷ (۰/۰۰۱۶) ۰/۰۵۷۲ (۰/۰۰۰۴) ۰/۰۵۳۷ (۰/۰۰۰۸)	حامی فقرا سرریز سرریز	بله نه نه
مصر	۲۰۱۵-۲۰۱۰	۰/۱۶۳۹	HC PG SPG	۰/۱۵۵ (۰/۰۰۲۷) ۰/۱۴۹ (۰/۰۰۱۱) ۰/۱۴۳۹ (۰/۰۰۱۹)	سرریز سرریز سرریز	نه نه نه
نیجر	۲۰۰۵-۱۹۹۴	۰/۲۸۰۳	HC PG SPG	۰/۲۱۶۶ (۰/۰۰۴۱) ۰/۱۲۶۲ (۰/۰۰۰۹) ۰/۱۱۶۳ (۰/۰۰۱۱)	سرریز سرریز سرریز	نه نه نه
نیجر	۲۰۱۴-۲۰۰۵	۰/۴۷۱	HC PG SPG	۰/۷۰۴۹ (۰/۰۰۹۱) ۰/۴۸۴۳ (۰/۰۰۵۶) ۰/۴۴۶۶ (۰/۰۰۷۱)	حامی فقرا حامی فقرا سرریز	بله بله نه

مأخذ: محاسبات تحقیق HC: نسبت فقر سرشمار، PG: نسبت شکاف فقر، SPG: مجذور شکاف فقر. خطاهای استاندارد تخمین‌ها داخل پرانتز. (*) بدان معنی است که نتایج ناکافی است به طوری که فاصله اطمینان ۹۵٪ حاوی آستانه برای شناسایی نوع رشد حامی فقرا است (در این جا، چنین آستانه‌ای ۰ یا g است). Source: Author's calculations. HC = headcount ratio, PG = poverty gap ratio, SPG = squared poverty gap. Standard errors of the estimates in parentheses. The sign (*) means that the result is insignificant in the way that the 95% confidence interval contains a threshold for identification of the type of pro-poor growth (here, such thresholds are 0 or g).

جدول ۲، نتایج نرخ رشد معادل فقر (PEGR) را نشان می‌دهد. مقایسه شاخص PEGR با شاخص PPGI نشان می‌دهد که تنها نتایج PEGR در کشور ایران (۱۴-۲۰۰۶) نتایج

PPGI را تأیید نکرده است. این را می‌توان بدین صورت تفسیر نمود که کشور ایران در این دوره اصلاحات اقتصادی از قبیل آزادسازی قیمت به ویژه در بخش حامل‌های انرژی و پرداخت یارانه ماهانه نقدی به همه اقشار اعم از فقیر و غیرفقیر به‌طور یکسان همراه بود. جدول ۲ نشان می‌دهد که فقیرترین گروه فقرا (که با شاخص SPG (مجذور شکاف فقر) نشان داده می‌شود)، از منافع رشد نسبت به افرادی که نزدیک خط فقر هستند کمتر بهره‌مند شده‌اند. همچنین ضریب جینی به‌عنوان شاخصی برای نابرابری از ۴۴/۷۵ در سال ۲۰۰۶ به ۳۸/۷۸ در سال ۲۰۱۴ رسیده است که نشان دهنده‌ی کاهش نابرابری است (PocalNet، ۲۰۱۵). همچنین براساس داده‌های مرکز آمار ایران رشد سالیانه هزینه مصرف نهایی خانوار از ۱۱/۷ درصد سال ۲۰۰۶ به ۲/۳۴ درصد سال ۲۰۱۴ کاهش یافته است. این بدین معناست که فقیرترین اقشار فقرا از اصلاحات اقتصادی بهره‌مند نشده‌اند و خود این موضوع توضیحی برای فقرزا بودن شاخص PPGI می‌باشد.

نتایج به ما نشان می‌دهد که اکثر کشورها رشد حامی فقرا با مفهوم نسبی را تجربه نکرده‌اند. اما کشور قزاقستان (۲۰۰۱-۰۶، ۲۰۰۶-۱۰ و ۲۰۱۰-۱۵) رشد مثبت را تجربه کرده و رشد به معنای نسبی حامی فقرا و منافع فقرا نسبت به غیرفقرا بیشتر است و همچنین نابرابری نسبی کاهش یافته است. اما کشورهای ایران (۲۰۰۶-۱۴) و قرقیزستان (۲۰۰۹-۱۳) با وجود اینکه رشد منفی را تجربه کرده‌اند رشد به معنای نسبی حامی فقرا و آسیب فقرا نسبت به غیرفقرا کمتر است و به‌طور واقعی نابرابری نسبی نیز کاهش پیدا کرده است.

شاخص PEGR اصل یکنواختی را در نظر می‌گیرد که براساس این اصل هر چقدر شاخص PEGR بزرگ‌تر باشد فقر با سرعت بیشتری کاهش می‌یابد. نتایج در جدول ۲ نشان می‌دهد که به‌طور کلی تاجیکستان (۱۹۹۹-۲۰۰۴)، ایران (۱۹۹۸-۲۰۰۶) و قزاقستان (۲۰۰۱-۰۶) نسبت به سایر کشورها با استفاده از شاخص‌های مختلف اندازه‌گیری فقر (HC, PG, SPG) سرعت بیشتری در کاهش فقر را تجربه کرده‌اند و همچنین از رشد مثبت بالایی برخوردار بوده‌اند. تنها استثنا کشور نیجر (۲۰۰۵-۱۴) می‌باشد، با وجود اینکه رشد کمتری نسبت به کشورهای ایران (۱۹۹۸-۰۶) و قزاقستان (۲۰۰۱-۰۶) را تجربه کرده است اما اگر فقر را با شاخص HC اندازه بگیریم بعد از تاجیکستان (۱۹۹۹-۲۰۰۴) بیشترین کاهش فقر را تجربه کرده است.

۶- بحث و نتیجه‌گیری

در این پژوهش به اندازه‌گیری و مقایسه رشد حامی فقرا برای ۹ کشور اسلامی براساس شاخص‌های مختلف PPGI و PEGR برای ۲ یا ۳ دوره مختلف، با استفاده از شاخص اندازه‌گیری فقر FGT پرداخته شد. از آنجایی که دوره زمانی بین کشورها با هم تطابق نداشتند تا اندازه‌ی تفسیر و مقایسه نتایج پیچیده‌تر شد، و بدلیل اینکه هدف اصلی

پژوهش این بود که کشورهای اسلامی از نظر شاخص‌های مختلف رشد حامی فقرا چگونه عمل می‌کنند و چون سیاست‌های اجرا شده در کشورهای مختلف مطالعه نشده است بنابراین عدم تطابق دوره‌ها نباید مانع بزرگی برای رسیدن به هدف باشد. در این پژوهش نویسندگان سعی کرده‌اند که از آخرین داده‌های در دسترس در پایگاه اطلاع رسانی PovcalNet استفاده کنند اما داده‌های بعضی از کشورها فاصله زمانی دوری با یکدیگر داشته‌اند بنابراین سعی شده است که نویسندگان از داده‌های به روز شده استفاده کنند، این یکی از مهم‌ترین محدودیت‌های پژوهش به حساب می‌آید.

از آن‌جا که در نظر نگرفتن نرخ رشد واقعی و اصل یکنواختی توسط شاخص PPGI جزء محدودیت‌های آن محسوب می‌شود، بنابراین به حداکثر رساندن شاخص PPGI باعث بیشترین کاهش فقر نمی‌شود. اما شاخص PEGR این محدودیت‌ها را رفع می‌کند؛ بنابراین به حداکثر رساندن این شاخص نشان‌دهنده سرعت بیشتر کاهش فقر می‌باشد. بنابراین تاجیکستان (۲۰۰۴-۱۹۹۹) سریعترین کاهش فقر را با شاخص‌های اندازه‌گیری فقر نسبت سرشمار فقر، شکاف فقر و مجذور شکاف فقر تجربه کرده است. نتایج نشان داد که نرخ رشد مثبت در اکثر موارد منجر به کاهش فقر به صورت مستقیم و غیرمستقیم (رشد حامی فقرا و رشد سرریز) می‌شود. این به این معنی است که نرخ رشد مثبت در کشورهای اسلامی منجر به کاهش فقر شده است.

نتایج به‌طور کلی نشان می‌دهد که اگر در میان جمعیت فقیر، فقیرترین گروه فقرا را با فقرایی که نزدیک خط فقر زندگی می‌کنند مقایسه کنند، منافع فقرایی که نزدیک خط فقر هستند بیش از فقیرترین گروه فقرا است. همچنین اگر فقر با شاخص نسبت سرانه (HC) اندازه‌گیری شود، فقرا منافع رشد بیشتری را نسبت به زمانی که فقر را با نسبت شکاف فقر (PG) و مجذور شکاف فقر (SPG) اندازه‌گیری می‌کردند، بهره‌مند می‌شوند. با این وجود می‌توان گفت: که رشد به طور کلی در کشورهای اسلامی به طور نسبی حامی فقرا نیست.

قدردانی:

از تمامی افرادی که در انجام این تحقیق مولف را مساعدت نمودند، قدردانی می‌شود.

Acknowledgments

Acknowledgments may be made to individuals that have made an important contribution.

تضاد منافع:

نویسنده مقاله اعلام می‌کند که در انتشار مقاله ارائه شده تضاد منافی وجود

Conflict of Interest

ندارد.

The authors declare no conflict of interest.

References

- Adams, R. H. (2004). *Economic growth, inequality and poverty: estimating the growth elasticity of poverty*. : World Development.
- Apounoorie, A., & Azhdari, H. (1999). The effect of income distribution on economic growth with an inter-country analysis with emphasis on Iran. *Journal of Humanities Al-Zahr University*, Vol, 32. 52-73. [in Perison]
- Apounoorie, A., & Abbasi Qadi, R. (2006). Estimating the effect of economic growth on poverty in Iran. *Journal Research of Economics Iran*, 9(30), 23-52. [in Perison]
- Araar, A., & Duclos, J. (2007). *DASP: Distributive Analysis Stata Package*. PEP, World Bank, UNDP and Université Laval.
- Bagheri, F., & Kavand, H. (2008). The effect of economic growth on poverty and inequality in Iran (1996-2005). *Social Welfare Quarterly*, 7(28), 173-190. [in Perison]
- Darvishi, B., & Ahmadikhah, M. (2017). Measuring the pro-poor growth in Free jobs and wages in five development programs. *Applied Economics Studies, Iran*, 6(24), 177-198. [in Perison]
- Deutsch, J., & Silber, J. G. (2011). On various ways of measuring pro-poor growth. *Economics: The Open-Access. Open-Assessment E-Journal*, 5.
- Forbes, K. J. (2000). *A Reassessment of the Relationship between Inequality and Growth.*: American economic review.
- Ghsemiyan, S. (2005). *Poverty Reduction in Iran: Challenges and Agreements*. : Social Welfare. [in Perison]
- Harmáček, J., Srovátka, M., & Dušková, L. (2017). Pro-poor growth in East Africa. *The Quarterly Review of Economics and Finance*, 64, 82-93.
- Kakwani, N., & Pernia, E. M. (2000). What is pro-poor growth?. *Asian Development Review*, 18, 1-16.
- Kakwani, N., Neri, M., & Son, H. (2010). Linkages between pro-poor growth, social programs and labor market: the recent Brazilian experience. *World Development*, 38, 881-894.
- Otchia, C. (2014). *Agricultural modernization, structural change and pro-poor growth: Policy options for the Democratic Republic of Congo*. : Journal of Economic Structures.
- Page, J. (2006). *Strategies for pro-poor growth: pro-poor, pro-growth or both?* : Journal of African Economies.

- Pirae, K., & Qanaatiian, A. (2006). The effect of economic growth on poverty and income inequality in Iran: Measuring Pro-poor growth. *Journal Research of Economics Iran*, 8(29), 113-141. [in Perison]
- PovcalNet. (2015). PovcalNet: The online tool for poverty measurement developed by the Development Research Group of the World Bank. <http://iresearch.worldbank.org/PovcalNet/>
- Raghfar, H., Babapour, M., & Yazdanpanah, M. (2015). Investigating the Relationship between Economic Growth and Poverty and Inequality in Iran during the First to Fourth Development Plans. *Applied Economics Studies, Iran*, 4(16), 59-79. [in Perison]
- Rashdan, A. (2014). *Middle class and pro-poor growth in Egypt: the missing connection*. : Topics in Middle Eastern and North African Economies.
- Ravallion, M., & Chen, S. (2003). Measuring pro-poor growth. *Economics Letters*, 78, 93-99.
- Ravallion, M. (2004b). *Pro-Poor Growth: A Primer*. : World Bank Policy Research.
- Rezagholidzadeh, M. (2016). *Investigating the Impact of Tourism on the Triangle of Poverty, Inequality and Economic Growth*. : Journal of Tourism Management Studies. [in Perison]
- Son, H., & Kakwani, N. (2008). Global estimates of pro-poor growth. *World Development*, 36, 1048-1066.
- Son, H. (2007). *Pro-poor growth: concepts and measures*.
- Statistical Centre of Iran, Information on annual national accounts (1991-93), *Tehran: Statistics Center of Iran Publications*. [in Perison]
- Zaman, K., Khan, M. M., Ahmad, M., & Shabir, M. (2012). The study of pro-poor growth and poverty reduction in Pakistan (1999–2006). *Social Change*, 42(2), 249-261.
- Zaribaff, M. (2012). *An overview of the causes of poverty from the perspective of conventional economics*. : Economic Journal - Monthly review of economic issues and policies. [in Perison]



© 2020 by the authors. Licensee SCU, Ahvaz, Iran. This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0 license) (<http://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/>).

